

شاخص‌های آموزش گوش‌دادن در دوره ابتدایی؛ شواهدی از برنامه درسی زبان ملی چند کشور پیشرو در زبان آموزی و ایران

مریم دانای طوسی*

مهدی بازاریار**

چکیده

معمولاً «گوش‌دادن» را با «شنیدن» یکی می‌دانند، درحالی که «گوش‌دادن» با «شنیدن» فرق دارد. گوش‌دادن یک مهارت و شامل شنیدن و درک مطلبی است که به صورت شفاهی بیان می‌شود و نیازمند آموزش است، اما شنیدن مهارت نیست بلکه یک موهبت زیست‌شناختی است که نیازی به آموزش رسمی ندارد، و خود به خود حاصل می‌شود. هدف تحقیق حاضر تدوین شاخص‌های آموزش مهارت گوش‌دادن در برنامه درسی زبان ملی برای دوره ابتدایی و سپس تبیین نقاط قوت و ضعف راهنمای برنامه درسی زبان فارسی برای دوره ابتدایی ایران (ویراست ۱۳۸۸) به لحاظ شاخص‌های مورد نظر بود. برای نیل به این هدف، محتوای برنامه‌های درسی زبان ملی آمریکا (ایالت نیوجرسی، ۲۰۰۴)، انگلستان (۲۰۰۷)، سنگاپور (۲۰۰۶) و نیز راهنمای برنامه درسی زبان فارسی برای دوره ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸) به شیوه کیفی تحلیل شدند. پژوهش نشان داد که در چارچوب برنامه درسی زبان فارسی مهارت گوش‌دادن امری دانسته شده فرض شده است چرا که تعریف مشخصی برای آن مطرح نشده و خرده مهارت‌های آن نیز معرفی نشده‌اند. این موضوع باعث شده است که هدف‌های آموزش آن نیز به صورت کلی و مبهم ارائه شوند. از طرفی، در چارچوب این برنامه درسی، آموزش مهارت گوش‌دادن به صورتی متناسب با بافت موقعیت، انتقادی و با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات برنامه‌ریزی نشده است. [۱]

کلید واژه‌ها: مهارت‌های زبانی، گوش‌دادن، برنامه درسی زبان فارسی، دوره ابتدایی.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۴/۱۹ تاریخ شروع بررسی: ۹۰/۴/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۹/۶

* استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه گیلان. maryam.dana@gmail.com

** دانشجوی دکتری رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

پژوهشگرانی که دربارهٔ مهارت‌های زبانی مطالعاتی انجام داده‌اند هیچ یک تعریفی از گوش دادن به دست نداده‌اند که همگان بر آن اتفاق نظر داشته باشند (دوین^۱، ۱۹۷۸؛ دونکل^۲، ۱۹۹۱؛ هنینگ^۳، ۱۹۹۱). معمولاً «گوش دادن» را با «شنیدن» یکی می‌دانند، درحالی‌که این دو متفاوت‌اند و گوش دادن چیزی بیش از شنیدن است. شنیدن تنها از نظر درک حسی و فیزیولوژیک مانند گوش دادن است ولی مستلزم هیچ تلاش ذهنی نیست. از این روست که، می‌توان موسیقی را شنید یا ضبط کرد و درعین حال، روی کارهای دیگر نیز تمرکز کرد. اما، گوش دادن و به تعبیر دقیق‌تر «گوش سپردن» فرایندی ذهنی و فعال است؛ بنابراین نمی‌توان همزمان با گوش دادن کارهای دیگر را به طرز صحیحی انجام داد. پس می‌توان گفت که، گوش دادن فرایند رمزگشایی و تفسیر فعالانهٔ پیام‌های شفاهی و مستلزم توجه ذهنی و پردازش اطلاعات است (کریتر و کینیکی^۴، ۱۹۹۵). همچنین می‌توان بر اساس نظر آیزنک و کین^۵ (۲۰۰۵) ادعا کرد که «گوش دادن» به صورت آگاهانه، ارادی و هدفمند انجام می‌شود، اما «شنیدن» به صورت «ناآگاهانه» و بدون قصد و هدف روی می‌دهد. همچنین می‌توان گفت «گوش دادن» به معنای درک عمیق مطالب شنیداری است، درحالی‌که «شنیدن» تنها به دریافت سطحی مطالب یادشده محدود می‌شود. به عبارت دیگر، به هنگام گوش دادن فرد به جزئیات مطلب شنیداری توجه می‌کند درحالی‌که به هنگام شنیدن چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد.

هنگامی که شخصی سخن می‌گوید، معمولاً گوش دادن به او در یکی از چهار سطح انجام می‌شود: ۱. گوینده نادیده گرفته می‌شود یا ابداً گوش دادن اتفاق نمی‌افتد. ۲. فرد وانمود می‌کند که گوش می‌دهد، اما گوش نمی‌دهد. ۳. شخص گزینشی گوش می‌کند، یعنی فقط به بعضی از قسمت‌های محاوره گوش می‌دهد و ۴. فرد دقت و تمرکز خود را به واژه‌های گفته‌شده معطوف می‌کند. به‌طور کلی، فقط تعداد کمی از افراد به قصد فهمیدن گوش می‌دهند (کوی^۶، ۱۹۹۷) که این نوع گوش دادن هم به سطح بالایی از تمرکز نیاز دارد. اما بیشتر مردم به قصد فهمیدن گوش نمی‌دهند؛ آنها به قصد پاسخ دادن گوش می‌دهند، یعنی یا سخن می‌گویند یا آمادهٔ سخن گفتن هستند.

اهمیت مهارت گوش دادن در این است که به ما امکان می‌دهد روابط بینافردی مؤثرتری برقرار کنیم، اطلاعات مهمی را کسب کنیم، برای تصمیم‌گیری درست اطلاعات جمع کنیم و به طرز مناسبی به پیام‌های شفاهی واکنش نشان بدهیم (به نقل از برانول^۷، ۱۹۹۴).

محققانی که بر آموزش مهارت گوش دادن متمرکز شده‌اند عقیده دارند که می‌توان گوش

دادن را آموزش داد (بروانل^۸، ۱۹۹۴). آنها معتقدند که از طریق مداخله عمده برای تغییر یا اصلاح عادت‌ها و الگوهای گوش‌دادن، افراد به شنونده‌های کارآمدتری تبدیل می‌شوند. و لذا به دنبال یافتن تعریفی از گوش‌دادن هستند که قابلیت عملیاتی شدن و کاربست در کلاس‌ها و سمینارهای آموزشی را داشته باشد. تعاریف گوش‌دادن در قالب دو رویکرد دسته‌بندی می‌شوند: رویکرد شناخت‌گرا و رویکرد رفتارگرا. کسانی که گوش‌دادن را در چارچوب رویکرد شناخت‌گرا تعریف می‌کنند آن را به صورت فرایندی صرفاً شناختی و منفعل مطرح می‌سازند (گاس^۹، ۱۹۸۲؛ کلی^{۱۰}، ۱۹۶۷). و معتقدند که پردازش اطلاعات مهم‌ترین بخش فرایند گوش‌دادن است. اما طرفداران رویکرد رفتارگرا مفهوم گوش‌دادن را در قالب مدل‌هایی عملیاتی کرده‌اند که قابل یادگیری، مشاهده و کاربست است. در محیط‌های آموزشی معلمان به دنبال رویکردهایی هستند که منحصراً به عملکردهای قابل شناسایی و آشکار تکیه دارند و به عنوان نشانگر فرایندهای ذهنی که قابلیت مشاهده ندارند به کار می‌روند. در چارچوب رویکرد رفتارگرا، افراد زمانی که به شیوه آموزش داده‌شده به آنها رفتار می‌کنند، یعنی زمانی که مدل خاصی را تکرار می‌کنند و مانند شنوندگان کارآمد عمل می‌کنند، شنونده‌های بهتری خواهند بود (بروانل، ۱۹۹۰ و رُزن، واتسون و بارکر^{۱۱}، ۱۹۹۰).

اگر بتوان مهارت گوش‌دادن را به صورت چند خرده‌مهارت مجزا آموزش داد - و مطالعات انجام شده حاکی از امکان‌پذیر بودن این کار است (به نقل از بروانل، ۱۹۹۴) - در این صورت برنامه‌ریزان درسی و معلمان می‌توانند برای آموزش گوش‌دادن، برنامه درسی تدوین کنند. بروانل (۱۹۸۵، ۱۹۸۶، ۱۹۹۴) با تعریف گوش‌دادن در قالب شش سطح مرتبط به یکدیگر، چارچوبی را برای آموزش این مهارت زبانی ارائه می‌دهد و متذکر می‌شود که این سطوح به توالی و با چنان سرعتی روی می‌دهند که معمولاً فرد آگاهی چندانی نسبت به آنها ندارد شش سطح عبارت‌اند از:

۱. شنیدن: به واکنش ایجاد شده به وسیله امواج صوتی و برانگیزاننده گیرنده‌های حسّی گوش شنیدن گفته می‌شود. شنیدن در واقع درک فیزیولوژیکی و غیر ارادی امواج صوتی است. برای گوش‌دادن شما باید بشنوید، اما برای شنیدن لازم نیست که گوش بدهید (گوش‌دادن به میزان توجه فرد بستگی دارد).

۲. توجه کردن: مغز محرک‌ها را غربال کرده و تنها بر تعدادی از آنها تمرکز می‌کند. این درک گزینشی، توجه نامیده می‌شود که لازمه گوش‌دادن مؤثر است. لازم به ذکر است که محرک‌های قوی مانند لامپ‌های پُر نور و سر و صدای ناگهانی همگی توجه را جلب می‌کنند، اما توجه به

محرک‌های معمولی یا مواردی که چندان جالب نیستند به تلاش ویژه‌ای نیاز دارد.

۳. فهمیدن: به درک نمادهای دیده شده یا شنیده شده فهمیدن نام دارد. در فرایند فهمیدن شنونده معنای محرک‌هایی را که دریافت می‌نماید تحلیل می‌کند. معنای محرک‌های شفاهی (از واژه‌ها تا صداهایی مانند کف‌زدن و هلهله) تابعی از تداعی‌های پیشین و بافت رخداد آنها است. شنونده باید بتواند معنای موردنظر و بافت مفروض توسط فرستنده پیام را درک کرده باشد تا بتواند ارتباط بین‌فردی مؤثری با او یا آن برقرار کند.

۴. به یاد آوردن: به یاد آوردن پیام به این معناست که شنونده نه تنها باید پیام موردنظر را دریافت و آن را تفسیر کند بلکه باید آن را به مخزن ذخایر ذهنی خود نیز بیفزاید. اما همان‌طور که توجه افراد گزینشی است حافظه نیز چنین است؛ یعنی ممکن است آنچه به یاد آورده می‌شود کاملاً متفاوت از آن چیزی باشد که مشاهده شده یا شنیده شده است.

۵. ارزیابی کردن: تنها شنونده فعال می‌تواند در این مرحله، یعنی ارزیابی کردن، مشارکت کند. به عبارت دیگر، شنونده فعال شواهد را سبک سنگین می‌کند، حقایق را از عقاید جدا می‌سازد و وجود یا عدم تعصب و سوگیری را در یک پیام تعیین می‌کند. شنونده کارآمد اطمینان می‌یابد که این فعالیت را خیلی زود نباید شروع کند، زیرا شروع این فرایند پیش از کامل شدن پیام مستلزم آن است که دیگر نشویم و به پیام مورد نظر توجه کنیم و در نتیجه، فرایند گوش دادن متوقف می‌شود.

۶. پاسخ دادن: در این مرحله شنونده از طریق بازخورد کلامی و یا غیرکلامی فرایند گوش دادن را کامل می‌کند و به این ترتیب گوینده از دریافت پیام خود توسط شنونده اطمینان حاصل می‌کند. به هنگام گوش دادن به دیگران، باید هم محتوا و هم نگرش‌ها و احساسات زیربنای محتوا مورد توجه قرار بگیرد. بنابراین، در این صورت، گوش‌دهنده اطلاعات شفاهی را سه تا چهار بار سریع‌تر از گوینده پردازش می‌کند. شنونده به توجه و تمرکز بیشتری نیاز دارد.

انریت، گریب، کُدا، موسنتال، مولکاهی - ارنست و شدل^{۱۲} (۲۰۰۰) چهار هدف خواندن را به گوش‌دادن نیز تسری می‌دهند، از نظر آنها افراد به هنگام گوش‌دادن به دیگران یکی از چهار هدف زیر را دنبال می‌کنند:

۱. گوش‌دادن برای کسب اطلاعات خاص؛ ۲. گوش‌دادن برای درک مقدماتی؛ ۳. گوش‌دادن برای یادگیری، و ۴. گوش‌دادن برای تلفیق اطلاعات.

گوش‌دادن برای کسب اطلاعات مستلزم درک جزئیات متن است. نمونه این نوع گوش‌دادن در کلاس درس شامل گوش‌دادن به اعلان معلم درباره تاریخ مقرر شده برای مقاله پایان‌ترم و یا

گوش‌دادن برای دانستن چهار سطح زندگی یک حشره است که، برای مثال، در یک سخنرانی درباره زیست‌شناسی بیان می‌شود.

گوش‌دادن برای درک مقدماتی مستلزم درک کلی یک گفتار، از جمله درک ایده‌های اصلی و جزئیات مهم آن مطلب است. درک همه جزئیات در این هدف، ضروری نیست. گوش‌دادن برای یادگیری شامل توانایی گوش‌دادن، هم برای کسب اطلاعات خاص هم برای درک یک مطلب در وضعیتی خارج از بافت موقعیت آن است. در چنین شرایطی شنونده باید بتواند اطلاعات قسمت‌های متفاوت مطلب شنیده شده را تلفیق کرده و روابط میان آنها را درک کند.

گوش‌دادن برای تلفیق اطلاعات سه هدف اول را دربرمی‌گیرد، ضمن این‌که برآوردن این هدف مستلزم آن است که شنونده اطلاعات بیش از یک گفتار را تلفیق کند. این هدف غالباً در مواردی مدنظر قرار می‌گیرد که بیش از یک مهارت مورد نیاز باشد. مثلاً ممکن است فردی درباره یک موضوع متنی را بخواند، به قسمتی از یک سخنرانی درباره همان موضوع گوش کند و سپس به طور خلاصه یک پاراگراف درباره آن بنویسد.

سنگ بنا و شالوده دانش و آموزش مهارت‌های زبان فارسی در دانش آموزان در پایه‌های ابتدایی بنا نهاده می‌شود و سپس آموزش در تمام سال‌های مدرسه بر پایه دانش و مهارتی که بچه‌ها در پایه قبلی کسب کرده‌اند ادامه می‌یابد. برای این‌که دانش‌آموزان بتوانند به‌خوبی در موقعیت‌های مختلف به صورت تحلیلی و انتقادی به مطالب شفاهی گوش فرادهند، باید مؤلفه‌های این مهارت زبانی به خوبی به آنان آموزش داده شود. به نظر می‌رسد که در شرایط کنونی، کتاب‌های درسی بیشتر براساس شَم و تجربه فردی مؤلفان تألیف می‌شود و مؤلفان اطلاعات دقیق و روزآمدی در این زمینه در اختیار ندارند. شاهد این ادعا فقدان مؤلفه‌ها و هدف‌های آموزش مهارت گوش‌دادن به زبان فارسی به صورتی سطح‌بندی شده، و نیز کمبود پژوهش‌های در زمینه یاد شده است.

شمار پژوهش‌هایی که در زمینه برنامه درسی زبان‌آموزی در ایران صورت گرفته بسیار محدود است که در زیر به اختصار معرفی می‌شوند:

طیبی (۱۳۸۵) به مطالعه تطبیقی تولید راهنمای برنامه درسی زبان‌آموزی در دوره ابتدایی ایران و کشورهای فنلاند، فرانسه، آمریکا (ایالت کالیفرنیا) می‌پردازد. عصاره (۱۳۸۲) به بررسی مشکلات زبان-آموزی کودکان پایه اول ابتدایی در مناطق دوزبانه ترک‌زبان و عرب‌زبان و ارائه الگوی برنامه درسی برای آنان می‌پردازد. قاسم‌پور (۱۳۸۲) عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی

زبان‌آموزی دوره ابتدایی را در چهار محور هدف، محتوا، روش و ارزشیابی در ایران و ایالات کالیفرنیا، آریزونا، ویرجینیا و ویسکانزین آمریکا مورد مطالعه تطبیقی قرار می‌دهد و تلاش می‌کند الگوی مناسبی برای برنامه‌ریزی آموزش فارسی در مقطع ابتدایی ایران ترسیم کند. نعمت زاده (۱۳۸۴) به شناسایی واژگان پایه ادراکی و تولیدی دانش‌آموزان دوره ابتدایی ایران در سطوح اسامی ذات، فعل‌ها و صفات می‌پردازد. وزیرنیا (۱۳۸۴) با اجرای طرح پژوهشی زبان فارسی معیار (در متن آموزشی) در پی دستیابی به تعریف و توصیف زبان معیار و گونه آموزشی آن بوده‌است و مهم‌ترین کاربرد آن را در تدوین متن مناسب برای کتاب درسی و نشریات آموزشی می‌داند. یارمحمدی و نیلی پور (۱۳۸۳) نیز به بررسی و ارزیابی متون درسی موجود و شیوه آموزش زبان و ادب فارسی در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی و تعیین نقاط قوت و ضعف کتاب‌ها از جهات ساختار، محتوا، توجه به مهارت‌های چهارگانه زبانی، روش آموزش و در نهایت تدوین الگو و یا الگوهایی برای ارزیابی مبتنی بر پارادایم و نظریه‌های حاکم بر شیوه‌های جدید زبان‌آموزی می‌پردازند.

در هیچ یک از پژوهش‌های مطرح‌شده فوق، شاخص آموزش مهارت‌های زبانی، به‌ویژه شاخص گوش‌دادن، مورد توجه قرار نگرفته است و پژوهندگان تنها به ذکر نقاط قوت و ضعف برنامه درسی دوره‌های مختلف تحصیلی بدون داشتن شاخص و مبنای نظری روشن اقدام کرده‌اند. بنابراین هدف‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. تدوین شاخص عمق و گستره آموزش مهارت گوش‌دادن در دوره ابتدایی؛
 ۲. بررسی هدف‌های آموزش گوش‌دادن در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی (دوره ابتدایی) با شاخص عمق و گستره آموزش این مهارت زبانی و مقایسه این هدف‌ها با یکدیگر؛
 ۳. بررسی و تحلیل راهنمای برنامه درسی زبان فارسی (دوره ابتدایی) به لحاظ توجه به شاخص عمق و گستره آموزش مهارت گوش‌دادن و تبیین نقاط قوت و ضعف آن.
- ذکر این نکته ضروری است که منظور از لفظ «عمق» در این جا تعداد مؤلفه‌های در نظر گرفته شده برای آموزش مهارت گوش‌دادن و منظور از لفظ «گستره» چگونگی توزیع آموزش این مهارت و مؤلفه‌های آن در پایه‌های دوره ابتدایی است.

پرسش‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. آموزش مهارت گوش‌دادن در برنامه درسی زبان ملی در دوره ابتدایی باید چه عمق و گستره‌ای داشته باشد؟

۲. آموزش مهارت گوش‌دادن در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی در دوره ابتدایی چه عمق و گستره‌ای دارد؟

۳. هدف‌های آموزشی در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی در دوره ابتدایی، به لحاظ توجه به عمق و گستره آموزش مهارت گوش‌دادن، چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟

در ادامه مقاله، ابتدا روش پژوهش برای یافتن پاسخ پرسش‌های پژوهش مطرح می‌شود؛ بدین ترتیب که: در پاسخ به پرسش اول، هدف‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارت گوش‌دادن در برنامه درسی دوره ابتدایی کشورهای آمریکا (ایالت نیوجرسی)، انگلستان و سنگاپور ارائه می‌شود تا معلوم شود در این چارچوب‌ها مهارت گوش‌دادن در قالب چه مؤلفه‌هایی تعریف شده و ضمناً آموزش مؤلفه‌های یادشده در پایه‌های مربوط به این سطح تحصیلی چگونه توزیع شده‌است. در ادامه، با توجه به وجوه شباهت برنامه‌های درسی مذکور و نیز نکاتی که پیشتر درباره مهارت گوش‌دادن مطرح شد، شاخص عمق و نیز شاخص گستره آموزش این مهارت زبانی در دوره ابتدایی به دست داده می‌شود. به این ترتیب، چارچوبی به دست می‌آید که بر اساس آن می‌توان هدف‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارت گوش‌دادن در برنامه درسی زبان فارسی ایران را تحلیل کرد. در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، هدف‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارت گوش‌دادن در برنامه درسی ایران در دوره ابتدایی مطرح می‌شوند. به پرسش سوم نیز با تحلیل برنامه درسی زبان فارسی ایران در دوره ابتدایی پاسخ داده می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، بر اساس اهداف آن، از نوع بنیادی-کاربردی، و بر اساس طرح پژوهش از نوع تحلیل کیفی محتوا است. جامعه آماری پژوهش حاضر را برنامه درسی زبان ملی برای دوره ابتدایی تشکیل می‌دهد. نمونه آماری شامل برنامه درسی زبان ملی آمریکا (ایالت نیوجرسی، ۲۰۰۴)، انگلستان (۲۰۰۷)، سنگاپور (۲۰۰۶) و راهنمای برنامه درسی زبان فارسی در دوره ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸) است که از طریق مطالعه و بررسی کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری و با ملاک‌های از پیش تعیین شده انتخاب شده‌اند. انتخاب برنامه درسی کشورهای یادشده به این دلیل بود که این کشورها در رقابت‌های بین‌المللی سواد، نسبت به ایران، حائز رتبه بسیار بهتری گردیدند [۲]. (برای اطلاعات بیشتر در این باره به مولیس، مارتین و گونزالس^{۱۳} (۲۰۰۴) نگاه کنید). در زمینه برنامه درسی زبان ملی کشور آمریکا، برنامه درسی ایالت نیوجرسی انتخاب گردید و دلیل این امر جامعیت برنامه درسی ایالت یادشده به لحاظ کیفیت و کمیّت اطلاعات

ارائه شده در آن بود. نکته قابل ذکر دیگر این است که رسانه یاددهی - یادگیری در تمام کشورهای مورد مطالعه، زبان انگلیسی است. علت آن است که زبان یادشده زبان ملی کشورهای پیشرفته دنیاست و از این رو مطالعات خوبی درباره برنامه درسی زبان آموزی کشورهای مورد نظر صورت گرفته است.

در ادامه مقاله، هدف‌های آموزشی و مؤلفه‌های مهارت گوش دادن در آمریکا (ایالت نیوجرسی، ۲۰۰۴) در پایان پایه پنجم ابتدایی، انگلستان (۲۰۰۷) در پایان سطح کلیدی ۲ و سنگاپور (۲۰۰۶) در پایان دوره سوم ابتدایی ارائه می‌شود. لازم به تذکر است که پایان پایه پنجم ابتدایی در نظام آموزش و پرورش ایالت نیوجرسی آمریکا، معادل پایان سطح کلیدی ۲ در نظام آموزش و پرورش انگلستان، و پایان دوره سوم ابتدایی در نظام آموزش و پرورش سنگاپور تقریباً معادل پایان دوره ابتدایی در نظام آموزش و پرورش ایران است.

جدول ۱. مؤلفه‌ها و هدف‌های آموزش مهارت گوش دادن در ایالت نیوجرسی آمریکا (۲۰۰۴)، انگلستان (۲۰۰۷) و سنگاپور (۲۰۰۶)

مؤلفه‌های آموزش مهارت گوش دادن در آمریکا	هدف‌های آموزش مهارت گوش دادن در آمریکا
الف. گوش دادن فعال ب. درک شفاهی	الف. گوش دادن فعال [۳] - توانایی گوش دادن به منظوره‌های گوناگون مثلاً لذت بردن یا کسب اطلاعات؛ - توانایی گوش دادن به سخنگویان مختلف با دقت و به صورت انتقادی؛ - توجه به گوینده از طریق تماس چشمی و ارائه بازخورد مناسب و سؤال برای روشن شدن پیام او؛ - توجه به فنون گوینده برای متقاعد کردن مخاطب و تحلیل آنها؛ - توجه به زبان ادبیات در شعرها یا ادبیات کلاسیک ضبط شده؛ - توانایی گوش دادن برای تعیین هدف، نگرش و زاویه دید گوینده؛ - توانایی استفاده از ملاک‌ها/دستورالعمل‌های ارزیابی ارائه‌های شفاهی (سخنرانی) مثل هدف، فنون ارائه، محتوا، وسایل کمکی دیداری، سرنخ‌های غیرکلامی و حالات صورت متناسب با موقعیت. ب. درک شفاهی - نمایش مهارت در گوش دادن فعال از طریق واکنش به یک داستان، مصاحبه، یا گزارش شفاهی (مثل خلاصه کردن، عکس العمل نشان دادن، بازگو کردن)؛ - نمایش مهارت در گوش دادن فعال از طریق به کار بردن اطلاعات به دست آمده در موقعیت‌های جدید و برای حل مسائل مختلف؛ - توانایی پرسیدن سؤالات مربوط و بجا، یادداشت برداری و نتیجه‌گیری بر اساس اطلاعات ارائه شده؛ - توانایی نتیجه‌گیری از گزارش یا ارائه‌ای شفاهی؛ - توانایی دنبال کردن دستورالعمل‌های شفاهی سه و چهار مرحله‌ای.

هدف‌های آموزش مهارت گوش‌دادن در ایالت انگلستان	مؤلفه‌های آموزش مهارت گوش‌دادن در انگلستان
<p>الف. گوش‌دادن</p> <ul style="list-style-type: none"> - تشخیص مهم‌ترین نکات یک تعریف یا نکات کلیدی یک بحث و توانایی ارزیابی شنیده‌ها؛ - توانایی مطرح کردن سؤالات مرتبط برای شفاف‌کردن و بسط مطالب شنیده‌شده؛ - توانایی یادآوری مختصه‌های مهم یک بحث، صحبت، متن خوانده‌شده، برنامه رادیویی یا تلویزیونی و فیلم و بیان مجدد آنها؛ - توانایی شناسایی مختصه‌های زبان مورد استفاده برای نیل به هدفی خاص (مثلاً تشویق، آموزش یا سرگرم‌کردن)؛ - توانایی ارائه پاسخ مناسب به گفته دیگران با گوش دادن دقیق به آنها؛ <p>ب. زبان انگلیسی معیار؛</p> <ul style="list-style-type: none"> - ایجاد مبنایی مناسب برای آموزش گوش‌دادن با داشتن اطلاعاتی درباره زبان انگلیسی معیار، گونه‌های زبان و ساختار زبان؛ - توانایی به خاطر سپردن شایع‌ترین صورت‌های غیرمعیار زبان انگلیسی از جمله صورت غیرمعیار مطابقه فاعل و فعل (they was)، ساخت زمان گذشته (have fell , I done)، ساخت منفی (ain't)، ساخت قیدها (come quick)، ضمائر اشاره (books)؛ - یادگیری ساختارهای دستوری ویژه زبان انگلیسی معیار گفتاری و کاربرد این دانش متناسب با بافت موقعیت. <p>ج. تنوعات زبانی</p> <ul style="list-style-type: none"> - توجه به تنوعات زبانی براساس موقعیت و هدف (مثلاً، انتخاب واژگان در موقعیت‌های رسمی)؛ - توجه به تنوعات زبانی بین گونه‌های معیار و محلی زبان؛ - توجه به تنوعات میان صورت‌های گفتاری و نوشتاری زبان (مثلاً، تفاوت‌های بین گفتار آوانویسی‌شده، گفتار مستقیم و گفتار نقل‌شده). 	<p>الف. گوش‌دادن</p> <p>ب. زبان انگلیسی معیار</p> <p>ج. تنوعات زبانی</p>

هدف‌های آموزش مهارت گوش‌دادن در ایالت سنگاپور (۲۰۰۶)	مؤلفه‌های آموزش مهارت گوش‌دادن در سنگاپور
<p>الف. توانایی کسب اطلاعات از طریق گوش دادن به مطالب شفاهی مختلف</p> <p>ب. توانایی گوش دادن به انواع متون شفاهی و درک آنها</p> <p>ج. توانایی گوش دادن به انواع متون شفاهی برای واکنش و بیان ادبی</p> <p>د. توانایی گوش دادن به انواع متون شفاهی برای تعامل اجتماعی</p> <p>الف. توانایی کسب اطلاعات از طریق گوش دادن به مطالب شفاهی مختلف</p> <p>- توانایی گوش دادن بی‌وقفه به مطلب ارائه شده در کلاس؛</p> <p>- توجه به متن زبانی و سرنخ‌های شفاهی (آهنگ صدا، بلندی) برای درک معنای متن؛</p> <p>- یادداشت‌برداری از ایده‌های اصلی و جزئیات متن بر طبق یک طرح کلی؛</p> <p>- توجه به زبان انگلیسی رسمی و غیررسمی و فهم تفاوت میان این دو گونه زبانی؛</p> <p>- توانایی دنبال کردن گفته‌ها با استفاده از دانش خود درباره ابزارهای انسجام (مثلاً حروف ربط بیانگر زمان، دلیل شرط، هدف و...).</p> <p>ب. توانایی گوش دادن به انواع گفتار و درک آنها</p> <p>- شناسایی نکات مهم و ایده‌های کلیدی گفتار؛</p> <p>- توانایی یادآوری اطلاعات و جزئیاتی مانند توصیف‌ها، مثال‌ها، توضیحات و کمک‌های دیداری (که از ایده اصلی متن حمایت می‌کنند)؛</p> <p>- نتیجه‌گیری درباره موضوع مورد نظر با استفاده از سرنخ‌های بافتی و اطلاعاتی؛</p> <p>- توانایی دنبال کردن دستورالعمل‌ها؛</p> <p>ج. توانایی گوش دادن به انواع گفتار برای واکنش و بیان ادبی</p> <p>- پیش‌بینی محتوای داستان و شخصیت‌های آن با استفاده از سرنخ‌های بافتی و دانش پیشین؛</p> <p>- شناسایی نکات اصلی و مهم داستان با توجه به شخصیت‌ها، رویدادها و فضای آن؛</p> <p>- توانایی یادآوری جزئیات مربوط به شخصیت‌ها، رویدادها و فضای داستان؛</p> <p>- توانایی استنباط و نتیجه‌گیری درباره رویدادها و فضای داستان رویدادها و فضای داستان، شخصیت‌ها، اعمال و انگیزه‌های آنها؛</p> <p>- توانایی استنباط معنا با استفاده از سرنخ‌های بافتی، دانش پیشین و اطلاعات مربوط به فرهنگ‌های آشنا در سنگاپور و آسیای جنوب شرقی.</p> <p>د. توانایی گوش دادن به انواع گفتار برای تعامل اجتماعی</p> <p>- شناسایی نکات اصلی و مهم محاورات و یادآوری جزئیات آنها؛</p> <p>- نتیجه‌گیری درباره معنا، قصد و احساس منتقل شده توسط گوینده؛</p> <p>- توانایی تعامل موثر با افرادی از فرهنگ (مذهب) خود یا از فرهنگ‌های (مذهب‌های) متفاوت.</p>	<p>در چارچوب این برنامه درسی بر هدف‌های آموزشی تأکید می‌شود و مؤلفه خاصی برای آموزش مهارت گوش‌دادن به صورت مجزا بیان نمی‌شود.</p>

از طرفی، در برنامه درسی زبان ملی ایالت نیوجرسی آمریکا، انگلستان و سنگاپور میان مؤلفه‌ها و هدف‌های آموزش مهارت گوش‌دادن شباهت‌هایی وجود دارد که در قالب جدول ۲ به شرح زیر ارائه شده‌اند:

جدول ۲. شباهت‌های میان اهداف و مؤلفه‌های آموزش مهارت گوش‌دادن در برنامه درسی زبان ملی ایالت نیوجرسی آمریکا، انگلستان و سنگاپور

<p>- آموزش گوش دادن هدفمند؛</p> <p>- خرد کردن این هدف به اهداف جزئی‌تر و به صورتی منسجم و هماهنگ از ساده به پیچیده- متناسب با سطح رشد و توان ذهنی دانش‌آموزان؛</p> <p>- بیان روشن راهکارهای عملی برای نیل به هدف‌های آموزشی در کلاس درس؛</p> <p>• معرفی انواع متونی که دانش‌آموزان باید در جریان گذر از سال‌های مدرسه به آنها گوش بدهند (انواع متون شفاهی ادبی و غیرادبی (اطلاعاتی))؛</p> <p>• ارائه انواع فعالیت‌های آموزشی از جمله گوش‌دادن به انواع متون شفاهی ادبی و غیرادبی (اطلاعاتی و ...) به تفکیک دوره‌ها و سطوح تحصیلی؛</p> <p>- برنامه‌ریزی برای آموزش گوش‌دادن به صورتی متناسب با بافت موقعیت، مثلاً:</p> <p>• توجه به تغییر لحن و واژگان صحبت‌های افراد متناسب با بافت موقعیت؛</p> <p>• استفاده افراد، از ساختارها، سبک‌ها و گونه‌های زبانی متنوع در گفته‌ها متناسب با موقعیت؛</p> <p>- برنامه‌ریزی برای آموزش گوش‌دادن به صورت انتقادی، مثلاً:</p> <p>• تعبیر و تفسیر اهداف و دیدگاه‌های گوینده ضمن گوش‌دادن به سخنان او با توجه به سرخ‌های کلامی و غیرکلامی (حرکات بدن و حالت چهره)؛</p> <p>• واکنش به داستان، مصاحبه، یا گزارش شفاهی و پرسیدن سؤالات مربوط و بجا درباره آن؛</p> <p>• توجه به فوننی که گوینده برای متقاعدکردن شنوندگان استفاده می‌کند و تحلیل آنها؛</p> <p>• توجه به این که چه موقع شعار و چه موقع استدلال در گفتار گوینده به کار رفته‌است.</p>
--

شاخص‌های عمق و گستره آموزش گوش‌دادن در برنامه درسی زبان ملی

با توجه به مباحث مطرح شده درباره فرایند گوش‌دادن و نیز با نگاهی به چگونگی تدوین هدف‌های آموزش این مهارت زبانی در کشورهای آمریکا (ایالت نیوجرسی، ۲۰۰۴)، انگلستان (۲۰۰۷) و سنگاپور (۲۰۰۶) می‌توان گفت که گوش‌دادن فعالیتی هدفمند است و برای کسب اطلاعات، لذت‌بردن و نیز تفکر درباره گفته‌های دیگران انجام می‌شود. این فعالیت مشتمل بر فرایندهای شنیدن (بازشناسی شنیداری واژه‌ها) و درک گفتار است. شنیدن از طریق حس شنوایی انجام می‌شود که یک توانایی زیست‌شناختی است و نیازی به آموزش ندارد. اما درک دقیق گفتار

با توجه به جزئیات آن مستلزم آموزش است. به این ترتیب، آنچه که آن را مهارت گوش دادن می‌نامیم در حقیقت مهارت در درک گفتارها یا مطالب شفاهی است که از دو جنبه قابل بررسی است: هدف گوش دادن و راهبردهای درک مطلب.

معمولاً افراد به منظور درک نکات کلی یا اصلی یک گفتار (گوش دادن عادی) و یا درک نکات کلی همراه با جزئیات مربوط به آن به دیگران گوش فرامی‌دهند (گوش دادن برای یادگیری). از طرفی، برای درک دقیق مطلب گفتاری می‌توان از راهبردهای متفاوتی بهره گرفت. یک راهبرد، بروز واکنش مناسب است. مثلاً هنگامی که شنونده نمی‌تواند مطالب شفاهی را دنبال کند می‌تواند با طرح سؤال ابهام‌مردنظر را رفع کند یا پیش‌بینی خود را از مطالب بعدی تأیید یا رد کند. راهبرد دیگر، سازماندهی اطلاعات موجود در گفتارهاست. مثلاً تدوین رئوس نکات اصلی یک سخنرانی، یا تدوین نمودار فرایندی از مطالب شنیده شده.

توجه به مختصه‌های مطالب شنیداری نیز راهبرد دیگری است که شنونده می‌تواند برای تضمین درک گفتار از آنها بهره‌بگیرد. گفتارها دارای سه نوع مختصه‌اند: دستوری، کلامی و کاربردشناختی. شنونده می‌تواند برای درک یک گفتار به مختصه‌های دستوری آن متوسل شود. مثلاً به کاربردهای معیار و غیرمعیار زبان توجه داشته‌باشد، به تنوعات موجود در زبان، لهجه و گویش گوینده توجه کند، به تلفظ سریع و مبهم باهمایی‌های محاورات روزمره توسط گویندگان بومی دقت کند، و یا معنای عبارات‌های اشاری مثل همین، همان، واژه‌های چند معنا و ... را با توجه به بافت زبانی و موقعیت گفتار دریابد.

همچنین، شنونده می‌تواند به مختصه‌های کلامی توجه کند. مثلاً با توجه به گره‌های انسجامی گفتار (حروف ربط، ضمائر، ...)، مفهوم آن را به روشنی و در قالب یک سخن منسجم و هماهنگ دریابد، و یا با توجه به نشانه‌های تغییر موضوع سخن، ایده‌های اصلی و فرعی مدنظر گوینده را دریابد.

توجه به مختصه‌های کاربرد شناختی گفتار نیز راهبرد دیگری است که شنونده با کمک آن می‌تواند درک خود را از آن تضمین کند. مثلاً شنونده با مشاهده کلیدواژه یا عبارت روی تخته‌سیاه که معلم به صورت شفاهی توضیح می‌دهد آن را بهتر و عمیق‌تر درک می‌کند زیرا بخشی از شنیده‌ها را دقیقاً مشاهده می‌کند.

از طرفی، شنونده‌ها باید راهبردهای گوش‌دادن خود را متناسب با هدف و مخاطب تغییر بدهند. مثلاً راهبردهایی که شنونده‌ها به هنگام گوش‌دادن به سخنرانی رسمی اتخاذ می‌کنند باید متفاوت از راهبردهایی باشد که به هنگام گوش‌دادن در موقعیت‌های غیررسمی به کار می‌برند.

همچنین، شنونده‌ها باید هدف‌ها، علائق و سوگیری‌های سخن‌گویان را به هنگام تفسیر شنیده‌ها و واکنش به آنها در نظر داشته باشند. آنها باید لحن متفاوت صدای شنونده‌ها را شناسایی کرده و اطلاعاتی را که می‌شنوند مورد نقد و بررسی قرار بدهند؛ به هنگام گوش‌دادن از جزئیات مهم یادداشت‌برداری و از شنیده‌های خود برای تأیید یا رد نتیجه‌گیری گوینده اطلاعاتی را استخراج کنند. همچنین آنان باید بیاموزند که با توجه به الگوی ارائه شفاهی مطالب، مانند ترتیب زمانی و مکانی، ارائه آنها شنیده‌ها را تفسیر کنند.

به علاوه، شنونده‌ها باید توجه داشته باشند که چگونه گوینده با استفاده از سبک و واژگان خاصی مطلب مورد نظر خود را منتقل می‌کند و چگونه از زبان، امکانات بصری و صداها برای تحت‌تأثیر قراردادن مخاطبان خود استفاده می‌کند که این همان گوش‌دادن انتقادی است. گوش‌دادن انتقادی زمانی روی می‌دهد که شنونده نه تنها می‌خواهد دریابد که سخنران یا گوینده چه می‌گوید بلکه همچنین به دنبال ارزیابی کردن گفته‌های او و چگونگی بیان آن است. مثلاً هنگامی که انتخاباتی در پیش است و فرد می‌خواهد تصمیم بگیرد که به چه کسی رأی بدهد، به هنگام تماشای مناظره تلویزیونی به نوعی از گوش‌دادن انتقادی بهره می‌گیرد، به عبارت دیگر، او به سخنان افراد گوش‌فراداده و شنیده‌های خود را ارزیابی می‌کند.

با توجه به توضیحات مطرح شده می‌توان گفت مهارت گوش‌دادن دارای مؤلفه‌های زیر است:

الف. بازشناسی شنیداری واژه‌ها (شنیدن)

ب. درک گفتار که شامل خرده‌مؤلفه‌های زیر است:

- گوش‌دادن هدفمند (گوش‌دادن عادی، گوش‌دادن برای یادگیری)

- راهبردهای درک مطلب شفاهی (بروز واکنش مناسب با توجه به مختصه‌های دستوری،

کلامی و پرگماتیکی مطلب شفاهی)

- گوش‌دادن انتقادی

با توجه به توضیحات مطرح شده، شاخص‌های عمق و گستره آموزش این مهارت زبانی در

دوره ابتدایی به شرح زیر ارائه می‌شود (پاسخ به پرسش اول پژوهش حاضر):

شاخص‌های عمق آموزش گوش‌دادن در برنامه درسی زبان ملی برای دوره ابتدایی

الف. بازشناسی شنیداری واژه‌ها (به صورت خودکار کسب می‌شود)

ب. درک گفتار (مستلزم آموزش رسمی است)

- گوش دادن هدفمند (گوش دادن عادی، گوش دادن برای یادگیری)
- راهبردهای درک گفتار (ابراز واکنش مناسب، با توجه به مختصه‌های دستوری، کلامی و پراگماتیکی گفتار)
- گوش دادن انتقادی

شاخص‌های گستره آموزش مهارت گوش دادن در برنامه درسی زبان ملی برای دوره ابتدایی

درک گفتار

- گوش دادن هدفمند
- گوش دادن برای نیل به هدف‌های متفاوت مثلاً لذت بردن یا کسب اطلاعات

• راهبردهای درک گفتار

- توجه به گوینده از طریق تماس چشمی، ارائه بازخورد مناسب و سؤال کردن برای روشن شدن پیام او؛
- کسب آگاهی نسبت به زبان معیار و موارد کاربرد آن؛
- استفاده از راهبردهای درک گفتار (همچون پرسیدن سؤال، استنتاج، تصدیق یا رد پیش‌بینی‌ها و نتیجه‌گیری‌ها و...)
- درک تنوعات بین صورت‌های معیار و محلی زبان؛
- تشخیص بعضی از قراردادهای گفتار مانند ترتیب ارکان جمله و بلندی صدا؛
- درک معنای گفتار با توجه به چگونگی ترتیب و سازماندهی واژه‌ها و جملات.

• گوش دادن انتقادی

- کنجکاوی درباره حروف، صداها، واژه‌ها و الگوهای واژگانی؛
- نشان دادن رفتارهای مربوط به گوش دادن و مشاهده فعال (همچون نشان دادن توجه به گوینده با حالت‌های صورت، به نشانه احترام سکوت را رعایت کردن)؛
- توانایی تمیز بین موارد تخیلی و واقعی به هنگام گوش دادن به گفته‌های مختلف؛
- شناسایی عناصر کلیدی (شامل طرح داستان، زمینه، شخصیت پردازی و...) و فوننی همچون بلندی صدا، سرعت گفتار و ... در گفتارهای مختلف و بررسی تأثیر آنها؛

- نمایش گوش‌دادن با ابراز نظرات و سؤالات مرتبط؛
 - یادآوری و بیان مجدد ایده‌های مهم یک بحث، صحبت، متن خواندنی، برنامه رادیویی یا تلویزیونی و فیلم؛
 - توجه به نحوه تغییر گفتار (مثلاً واژگان و لحن رسمی) در شرایط مختلف (مثلاً موقعیت‌های رسمی)؛
 - گوش‌دادن برای تشخیص هدف، نگرش و زاویه دید گوینده؛
 - تشخیص فنون متقاعدکردن شنونده و تحلیل آنها؛
 - توجه به مواردی مثل هدف سخنرانی، فنون ارائه، محتوا، وسایل کمکی دیداری، حرکات بدن و حالات صورت سخنران به‌هنگام گوش‌دادن به سخنرانی‌ها؛
 - ارزیابی میزان صراحت مطالب شنیده‌شده؛
 - دلیل و چگونگی تغییر معنا و ساختارهای واژگانی در گفتار و درک معنای درست واژه‌ها با توجه به بافت موقعیت؛
 - توجه به شکل‌گیری متون متناسب با منظورها و مخاطبان متفاوت؛
 - تشخیص منظور متون ساده و ارزیابی اعتبار آنها؛
 - توجه به تأثیر مختصه‌های زبان شفاهی بر مخاطبان.
- در ادامه این مقاله پاسخ به پرسش‌های دوّم و سوّم پژوهش مطرح می‌شود. برای یادآوری، پرسش‌های یاد شده مجدداً در زیر مطرح می‌شوند.
- آموزش مهارت گوش‌دادن و مؤلفه‌های آن در برنامه درسی زبان ملی ایران در دوره ابتدایی چه عمق و گستره‌ای دارد؟
 - هدف‌های برنامه درسی زبان ملی ایران در دوره ابتدایی به لحاظ توجه به آموزش مهارت گوش‌دادن و مؤلفه‌های آن چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟

عمق و گستره آموزش مهارت گوش‌دادن در چارچوب راهنمای برنامه درسی زبان فارسی برای دوره ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸)

در چارچوب راهنمای برنامه درسی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸) مهارت گوش‌دادن به صراحت تعریف نشده است؛ بنابراین نمی‌توان مستقیماً به مؤلفه‌های آموزش این مهارت زبانی در این برنامه درسی دست یافت. اما با نگاهی به هدف‌های آموزش مهارت گوش‌دادن در راهنمای یادشده می‌توان به مؤلفه‌های آموزش این مهارت زبانی (عمق

آموزش گوش دادن) دست پیدا کرد. همچنین، می‌توان مشخص کرد که تا چه اندازه آموزش این مؤلفه‌ها در دوره ابتدایی توزیع شده است (گستره آموزش گوش دادن). در ادامه، هدف‌های آموزش مهارت یادشده در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی برای دوره ابتدایی، در قالب جدول ۳ مطرح می‌شود و عمق و گستره آموزش گوش دادن در چارچوب این برنامه، با توجه به شاخص‌های مطرح شده برای آموزش این مهارت زبانی، تبیین می‌گردد (پاسخ به پرسش دوم پژوهش حاضر). در قسمت بعد، نقاط قوت و ضعف آموزش گوش دادن در چارچوب راهنمای برنامه درسی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی به لحاظ میزان توجه به عمق و گستره آموزش این مهارت زبانی در قالب جدول‌های ۴ و ۵ تشریح می‌شود (پاسخ به پرسش سوم این پژوهش).

جدول ۳. اهداف آموزش گوش دادن در راهنمای برنامه درسی فارسی برای دوره ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸)

<p>الف. هدف‌های شناختی</p> <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی با ساختار زبان فارسی معیار و گسترش حوزه نمادها و معانی آن؛ - آشنایی با زبان گفتار و نوشتار، نظم و نثر و تفاوت آن‌ها؛ - آشنایی مختصر با جلوه‌های هنری زبان؛ - آشنایی با شیوه‌های تقویت حافظه و راه‌های پرورش ذوق و خلاقیت.
<p>ب. هدف‌های عاطفی (نگرشی)</p> <ul style="list-style-type: none"> - ایجاد، پرورش و تقویت علاقه و نگرش مثبت نسبت به: - مبانی اعتقادی، فرهنگی و ملی کشور؛ - جنبه‌های زیبایی سخن و تحسین آن.
<p>ج. هدف‌های مهارتی</p> <ul style="list-style-type: none"> - دقت و تمرکز در سخن گوینده؛ - درک سخن و دریافت پیام؛ - دریافت ارتباط بین بخش‌های مختلف پیام؛ بررسی و اظهارنظر درباره شنیده‌ها.

با توجه به دو شاخص عمق و گستره آموزش مهارت گوش دادن که در همین مقاله شرح آن گذشت، عمق و گستره آموزش این مهارت زبانی در چارچوب راهنمای برنامه درسی موجود زبان فارسی برای دوره ابتدایی به شرح زیر، در جداول ۴ و ۵ ارائه می‌شود:

جدول ۴. عمق آموزش گوش‌دادن در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸)

درک گفتار
الف. گوش‌دادن هدفمند: مطرح نمی‌شود.
ب. راهبردهای درک گفتار: مطرح می‌شود.
ج. گوش‌دادن انتقادی: مطرح می‌شود.

جدول ۵. گستره آموزش مهارت گوش‌دادن در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی ایران برای دوره ابتدایی (ویراست ۱۳۸۸)

درک گفتار
الف. گوش‌دادن هدفمند: مطرح نمی‌شود.
ب. راهبردهای درک گفتار:
- دقت و تمرکز در سخن‌گوینده
- درک سخن و دریافت پیام
- دریافت ارتباط بین بخش‌های مختلف پیام
ج. گوش‌دادن انتقادی:
- بررسی و اظهارنظر درباره شنیده‌ها

در این قسمت پاسخ به پرسش سوم این پژوهش درباره مهارت گوش‌دادن مطرح می‌شود. با توجه به دو شاخص عمق و گستره آموزش مهارت گوش‌دادن در دوره ابتدایی و نیز با توجه به عمق و گستره آموزش این مهارت زبانی در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی ایران (جدول ۴ و ۵) می‌توان نقاط قوت و ضعف برنامه یادشده را به لحاظ عمق (تعداد مؤلفه‌های در نظر گرفته‌شده برای آموزش گوش‌دادن) و گستره آموزش مهارت گوش‌دادن در دوره ابتدایی (چگونگی توزیع آموزش مؤلفه‌های نامبرده در این دوره تحصیلی) تبیین کرد. ذکر این نکته ضروری است که ملاک قوت و ضعف در این مقاله میزان نزدیکی یا دوری هدف‌های آموزش گوش‌دادن در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی با شاخص‌های آموزش گوش‌دادن در چارچوب این مقاله است. به این ترتیب، هر چه هدف‌های یاد شده تعداد بیشتری از شاخص‌های مورد نظر در این مقاله را پوشش داده و با آنها هماهنگی بیشتری داشته باشد از نقاط قوت بیشتری برخوردار است و بر عکس، هر چه تعداد کمتری از شاخص‌های مورد نظر را پوشش داده و با آنها هماهنگی کمتری داشته باشد نقاط ضعف بیشتری دارد. در ادامه، ابتدا نقاط قوت و ضعف هدف‌های آموزش گوش‌دادن در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی ایران (دوره ابتدایی) با توجه

به «عمق» آموزش این مهارت زبانی مطرح می‌شود و سپس نقاط قوت و ضعف آنها با توجه به «گستره» آموزش این مهارت زبانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

نقاط قوت و ضعف آموزش مهارت گوش‌دادن در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی ایران (دوره ابتدایی) با توجه به عمق آموزش این مهارت زبانی همان طور که پیشتر گفته شد آموزش گوش‌دادن واژه‌ها با بازشناسی شنیداری واژه‌ها آغاز می‌شود. اما مهارت در مرحله بعدی گوش‌دادن، یعنی درک گفتار، که هدف اصلی گوش‌دادن است از طریق گوش‌دادن هدفمند، توجه به استفاده از راهبردهای درک گفتار و نیز گوش‌دادن به صورت انتقادی محقق می‌شود. ناگفته پیداست که تنها کسب مهارت در مرحله دوم فرایند گوش‌دادن مستلزم آموزش رسمی است. با توجه به مطالب پیش‌گفته درباره عمق آموزش مهارت گوش‌دادن در برنامه درسی دوره ابتدایی ایران می‌توان ادعا کرد که تنها نقطه قوت آموزش این مهارت در دوره ابتدایی توجه به شاخص «درک گفتارها» است. اما برنامه درسی یادشده با توجه به عمق آموزش مهارت گوش‌دادن دارای نقاط ضعف متعددی است؛ از جمله این‌که:

- از میان زیرشاخص‌های مطرح‌شده (در چارچوب این مقاله) برای تعمیق آموزش گوش‌دادن، زیرشاخص گوش‌دادن هدفمند به هیچ وجه آموزش داده نمی‌شود. از طرفی، آموزش زیرشاخص‌های راهبرد درک گفتار و گوش‌دادن انتقادی در دوره ابتدایی تابع هیچ مبنای نظری خاصی نیست و تنها بخش‌هایی از آنها به صورت پراکنده مورد توجه قرار گرفته است.
- در هدف‌های شناختی و عاطفی (نگرشی) برنامه یادشده، آموزش دانش مربوط به شاخص درک گفتار و زیرشاخص‌های هر کدام مدنظر قرار ندارد.

نقاط قوت و ضعف آموزش مهارت گوش‌دادن با توجه به گستره آموزش آن در راهنمای برنامه درسی زبان فارسی ایران

با توجه به مطالب پیش‌گفته درباره گستره آموزش مهارت گوش‌دادن در برنامه درسی دوره ابتدایی ایران می‌توان ادعا کرد که تنها نقطه قوت گستره آموزش این مهارت در دوره یادشده توجه به شاخص درک گفتار در این دوره تحصیلی است. اما نقاط ضعف گستره آموزش مهارت گوش‌دادن در برنامه درسی یادشده عبارتند از:

- آموزش شاخص درک گفتار، به صورت کلی و بدون مبنای نظری خاصی، در دوره ابتدایی دنبال می‌شود. به عبارت دیگر، زیرشاخص‌های شاخص یادشده به صراحت و با جزئیات مطرح نمی‌شوند و در نتیجه آموزش مهارت گوش‌دادن در این دوره تحصیلی متناسب با توان ذهنی

دانش‌آموزان دنبال نمی‌شود. درباره نقاط ضعف گستره آموزش این زیرشاخص‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در حوزه زیرشاخص گوش‌دادن هدفمند، به صراحت به دانش‌آموزان آموزش داده نمی‌شود که برای نیل به هدف‌های متفاوت، مثلاً لذت‌بردن یا کسب اطلاعات، فعلاً نه گوش فرادهند. در حوزه زیرشاخص راهبردهای گوش‌دادن، موارد زیر به صراحت آموزش داده نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، دانش‌آموزان یاد نمی‌گیرند که:

- از طریق تماس چشمی و ارائه بازخورد مناسب و سؤال برای روشن‌شدن پیام گوینده به او توجه کنند؛

- به تدریج نسبت به زبان فارسی معیار و موارد کاربرد آن آگاهی پیدا کنند؛

- از راهبردهای درک متن (همچون پرسیدن سؤال، استنتاج، تصدیق یا رد پیش‌بینی‌ها و نتیجه‌گیری‌ها و...) استفاده کنند؛

- تنوعات بین صورت‌های معیار و محلی زبان فارسی را درک کنند؛

- بعضی از عناصر گفتاری مانند ترتیب ارکان جمله و بلندی صدا را تشخیص بدهند؛

- با توجه به چگونگی ترتیب و سازمان‌دهی واژه‌ها و جملات به معنای متن دست یابند.

در حوزه زیرشاخص گوش‌دادن انتقادی، موارد زیر به صراحت آموزش داده نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، دانش‌آموزان یاد نمی‌گیرند:

- که کنجکاو خود را درباره حروف، صداها، واژه‌ها و الگوهای واژگانی نشان بدهند؛

- که رفتارهای مربوط به گوش‌دادن و مشاهده فعال (همچون نشان‌دادن توجه به گوینده با

حالت‌های صورت، به نشانه احترام سکوت را رعایت کردن) را به نمایش بگذارند؛

- که عناصر کلیدی (شامل طرح داستان، زمینه، شخصیت‌ها و...) و فنون مختلف (همچون

بلندی صدا،...) را در گفتار شناسایی کرده و تأثیر آنها را بررسی کنند؛

- که با ابراز نظرات و پرسیدن سؤالات مربوط نشان دهند که ه دقت گوش فراداده‌اند؛

- که ایده‌های مهم یک بحث، صحبت، متن خواندنی، برنامه رادیویی یا تلویزیونی و فیلم را

به‌خاطر آورده و مجدداً بیان کنند؛

- که در برخی موقعیت‌ها واژگان و لحن رسمی‌تری به کار می‌رود؛

- که چگونه گفتار در شرایط مختلف تغییر می‌کند (مثلاً درباره نحوه تغییر گفتار دیگران در

موقعیت‌های رسمی فکر کنند)؛

- که در هنگام گوش‌دادن تشخیص دهند که گفتارهای متفاوت برای نیل به اهداف مختلف

و برای مخاطبان متفاوت شکل می‌گیرند؛

- که منظور گفتار ساده را تشخیص دهند و اعتبار آنها را ارزیابی کنند؛
- که تشخیص دهند مختصه‌های زبان شفاهی را می‌توان برای اثرگذاری بر دیگران استفاده کرد. با توجه به مطالب و جزئیات مطرح شده درباره عمق و گستره آموزش گوش‌دادن در برنامه درسی زبان فارسی در دوره یادشده می‌توان گفت که آموزش مهارت گوش‌دادن در این برنامه درسی سطحی بوده و انسجام ندارد.

نتیجه‌گیری

با مطالعه برنامه درسی زبان فارسی ایران در بخش آموزش مهارت گوش‌دادن می‌توان دریافت که در چارچوب این برنامه مهارت گوش‌دادن امری بدیهی فرض شده است، چرا که این مهارت به صراحت تعریف نشده و خرده‌مهارت‌های آن نیز معرفی نشده‌اند. تدوین‌گران برنامه‌های یادشده مستقیماً به بیان هدف‌های آموزش مهارت گوش‌دادن پرداخته‌اند پیش از این که ابتدا چارچوب مفهومی این مهارت زبانی را مشخص کرده باشند. عدم تدوین چارچوب مفهومی برای مهارت گوش‌دادن باعث شده است که هدف‌های آموزش آن به صورت کلی و مبهم ارائه شوند و تدوین آنها به صورتی منسجم و هماهنگ (متطبق با فرایند گوش‌دادن) و متناسب با سطح رشد و توان ذهنی دانش‌آموزان دوره ابتدایی دنبال نشود. نکته دیگر این‌که در این برنامه درسی راهکارهای عملی برای نیل به هدف‌های آموزشی در کلاس درس بیان نشده است. به بیان دیگر، در چارچوب این برنامه درسی، انواع فعالیت‌های آموزشی که دانش‌آموزان باید از طریق آنها دانش، مهارت‌ها و شناخت لازم را در زمینه خرده‌مهارت‌های گوش‌دادن از طریق تجربه انواع گفتارهای ادبی و غیرادبی (اطلاعاتی و ...) کسب کنند ارائه نشده است.

همان‌طور که پیشتر مطرح شد گوش‌دادن با بازشناسی شنیداری واژه‌ها آغاز می‌شود. این امر به صورت خودبه‌خود و طی فرایند فیزیولوژیک شنیدن انجام می‌گیرد. اما مرحله بعدی گوش‌دادن، یعنی درک گفتار که هدف اصلی گوش‌دادن است به طرق مختلف مثلاً تمرکز بر شنیده‌ها، بروز واکنش مناسب به متون شفاهی متفاوت، خلاصه‌کردن اطلاعات شنیده‌شده، قضاوت درباره آنها و ارزیابی آنها، توجه به تغییر لحن و واژگان گوینده، سبک و گونه گفتاری گوینده متناسب با موقعیت، توجه به علائم غیرکلامی، پرسیدن سؤال برای شفاف‌سازی درک خود از مطلب شنیده‌شده، و تشخیص نکات کلیدی گفتار انجام می‌شود.

در هدف‌های مهارتی آموزش گوش‌دادن، در چارچوب راهنمای برنامه درسی زبان فارسی

برای دوره ابتدایی، فرایند گوش‌دادن به صورت دقیق و مدون مطرح نشده است، به همین دلیل تنها بخش‌هایی از این فرایند، آن هم به صورت ناقص و مبهم، جزء هدف‌های آموزشی قرار می‌گیرند. همچنین، هدف‌های یادشده به صورت عملیاتی تعریف نمی‌شوند و مشخص نیست که چگونه قرار است دانش‌آموزان به هدف‌های یاد شده نائل شوند.

از طرفی، با توجه به هدف‌های آموزش گوش‌دادن، نمی‌توان دریافت که آموزش فرایند درک‌گفتار و راهبردهای مختلف گوش‌دادن و نیز گوش‌دادن انتقادی باید در قالب چه خرده‌مهارت‌ها یا مؤلفه‌هایی انجام گیرد یا این که اصلاً موارد یادشده بایستی به صراحت آموزش داده شوند یا نه؟ ابهام و ناهماهنگی مطرح شده درباره هدف‌های مهارتی آموزش گوش‌دادن در دوره ابتدایی، در مورد هدف‌های شناختی و عاطفی (نگرشی) آموزش این مهارت نیز صادق است. همان‌طور که پیشتر در جدول ۳ ملاحظه گردید هدف‌های شناختی آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی به صورت کلی و مبهم مطرح شده و در آن از مهارت گوش‌دادن سخنی به میان نیامده است. به طور کلی آموزش گوش‌دادن در برنامه درسی زبان فارسی برای دوره ابتدایی برنامه و هدف مشخصی را دنبال نمی‌کند و میان یادگیری گوش‌دادن و گوش‌دادن برای یادگیری تعادل برقرار نمی‌شود. از طرفی، بر گوش‌دادن به قصد درک چارچوب مفهومی مطالب شفاهی و درک ایده‌های اصلی و فرعی آنها هم تأکید نمی‌شود.

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان گفت که در برنامه درسی زبان فارسی برای دوره ابتدایی، آموزش مهارت گوش‌دادن به صورتی متناسب با بافت موقعیت برنامه‌ریزی نشده است. مثلاً، قرار نیست که دانش‌آموزان یاد بگیرند راهبرد گوش‌دادن خود را متناسب با هدف خود از گوش‌دادن و نوع گفتار تغییر بدهند، سرعت گوش‌دادن را با نوع گفتار و سطح دشواری آن منطبق کنند و یا از سرنخ‌های متفاوت برای درک معنای متون استفاده کنند.

از طرفی، در چارچوب برنامه یاد شده آموزش گوش‌دادن به صورت انتقادی مدنظر قرار ندارد. مثلاً به دانش‌آموزان آموزش داده نمی‌شود که به داستان، مصاحبه، یا گزارش شفاهی که می‌شنوند واکنش نشان داده و درباره آن سؤالات مربوط و بجا بپرسند، به هنگام گوش‌دادن به فوننی که گوینده برای متقاعدکردن شنوندگان استفاده می‌کند توجه کرده و آنها را تحلیل کنند و یا دقت کنند که چرا و چگونه معنا و ساختارهای واژگانی در گفتارهای مختلف تغییر می‌کنند. همچنین، به هنگام آموزش این مهارت، گوش‌دادن به متون چندسبکی (متون تدوین شده با شیوه‌های ارتباطی نوشتاری، گفتاری و دیداری) نیز مطرح نمی‌شود. با توجه به این مطلب می‌توان گفت که آموزش مهارت گوش‌دادن به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام نمی‌شود.

- با توجه به نقاط ضعف مطرح شده برای آموزش گوش دادن در برنامه درسی زبان فارسی برای دوره ابتدایی موارد زیر برای اصلاح این برنامه پیشنهاد می‌شود:
- تدوین چارچوب مفهومی برای مهارت گوش دادن [۴]؛
 - تدوین هدف‌های آموزش مهارت گوش دادن متناسب با چارچوب مفهومی آن، به صورتی وابسته به بافت موقعیت، وبه صورتی پیوسته و منسجم برای تمام پایه‌های تحصیلی در ادامه یکدیگر و متناسب با سطح رشد و توان ذهنی دانش‌آموزان؛
 - برنامه‌ریزی برای آموزش گوش دادن هدفمند؛
 - برنامه‌ریزی برای راهکارهای عملی به منظور نیل به هدف‌های آموزشی در کلاس درس؛
 - اصلاح برنامه آموزش معلمان زبان و ادبیات فارسی، همسو با تغییر برنامه درسی مربوط.

منابع

- راهنمای برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی (۱۳۸۸). دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران.
- طیعی، اکرم. (۱۳۸۵). *مطالعه تطبیقی تولید راهنمای برنامه درسی در یک ماده خاص (زبان‌آموزی) در دوره آموزش عمومی* (گزارش منتشرنشده). تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- عصاره، فریده. (۱۳۸۲). *بررسی مشکلات زبان‌آموزی کودکان پایه اول ابتدایی در مناطق دوزبانه و ارائه الگوی برنامه درسی برای آنان*. (گزارش نهایی طرح پژوهشی). تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- قاسم‌پور مقدم، حسین. (۱۳۸۲). *بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها، رویکردها و روش‌های برنامه درسی زبان‌آموزی به منظور ارائه الگوی مناسب برای آموزش زبان فارسی (پایان‌نامه دکتری)*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و پژوهش‌های، تهران.
- نعمت‌زاده، شهین. (۱۳۸۴). *شناسایی واژگان پایه فارسی دانش‌آموزان ایرانی در دوره ابتدایی* (گزارش نهایی طرح پژوهشی). تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- وزیر نیا، سیما. (۱۳۸۴). *زبان فارسی معیار (در متن آموزشی) (گزارش نهایی طرح پژوهشی)*. تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- یارمحمدی، لطف الله و نیلی پور، رضا (۱۳۸۳). *ارزیابی زبان‌شناختی کتاب‌های درسی زبان فارسی و شیوه آموزش آن در مدارس* (گزارش نهایی طرح پژوهشی). فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران: گروه علوم انسانی.

Brownell, J. (1985). A model for listening instruction: Management applications. *Journal of the Association for Business Communication*, 48(3), 39-44.

Brownell, J. (1986). *Building active listening skills*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Brownell, J. (1990). Perceptions of good listeners: A management study. *Journal of Business Communication*, 27(4), 401-416.

Brownell, J. (1994). Teaching listening: some thoughts on behavioral approaches. *Business Communication Quarterly*, 57(4), 19-26

Covey, S. R. (1997). Modeling and mentoring. *Executive Excellence*, 14, 3-4.

Devine, T. (1978). Listening: What do we know after fifty years of research and theorizing? *Journal of Reading*, 21, 296-304.

Dunkel, P. (1991). Listening in the native and second/foreign language: Toward an integration of research and practice. *TESOL Quarterly*, 25, 431-457.

Enright, M. K., Grabe, W., Koda, K., Mosenthal, P., Mulcahy-Ernt, P., & Schedl, M. (2000). TOEFL Reading Framework: A Working Paper. TOEFL Monograph Series. Educational Testing Service, Princeton, New Jersey.

Eysenck, M., E., & Keane, M., (2005). *Cognitive psychology: A student's handbook* (5th ed). Psychology Press.

Goss, B. (1982). listening as information processing. *Communication Quarterly*, 30, 304-306.

Henning, G. (1991). *A study of the effects of variation of short-term memory load, reading response length, and processing hierarchy on TOEFL listening comprehension item performance* (TOEFL Research Report No. 33). Princeton, NJ: Educational Testing Service.

Jamieson, J., Jones, S., Kirsch, I., Mosenthal, P., & Taylor, C. (2000). *TOEFL 2000 framework: A working paper*. (TOEFL Monograph Series Report No. 16). Princeton, NJ: Educational Testing Service.

Kelly, C. M. (1967). Listening: A complex of activities—and a unitary skill? *Speech Monographs*, 34, 455-466.

Kreitner, R & Kinicki, A. (1995). *Organizational Behavior*. Burr Ridge, ILL: Irwin New Jersey department of education. (2004). *New Jersey core curriculum content standards for language arts literacy*.

Qualifications and curriculum authority (2007). *England national curriculum at key stages 1, 2, 3 & 4*.

Rhodes, S. C, Watson, K. W, & Barker, L. L. (1990). Listening assessment: Trends and influencing factors in the 1980s. *Journal of the International Listening Association*, 4, 62-82.

Singapore ministry of education. (2006). *Nurturing every child: flexibility and diversity in Singapore schools*.

زیر نویس

۱. مقاله حاضر بخشی از گزارش طرح پژوهشی "تبیین هدف‌ها و مؤلفه‌های مهارت‌های ادراکی و تولیدی زبان در برنامه درسی زبان ملی ایران در دوره‌های مختلف تحصیلی" است که نگارنده به سفارش مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی) انجام داده است.

2. Devine

3. Dunkel

4. Henning

5. Kreitner & Kinicki

6. Eysneck & Keen

7. Covey

8. Brownell

9. Goss

10. Kelly

11. Enright, Grabe, Koda, Mosenthal, Mulcahy-Ernt & Schedl

12. Rhodes, Watson, & Barker

۱۳. انگلستان رتبه سوم، آمریکا رتبه نهم، سنگاپور رتبه پانزدهم و ایران رتبه سی و دوم را در میان ۳۵ کشور شرکت‌کننده در رقابت بین‌المللی پرلز احراز کردند.

14. Mulis, Martin & Gonzalez

۱۵. به هنگام گوش دادن فعال رفتارهایی انجام می‌دهیم که حاکی از توجه ما به طرف مقابل است. اما در حالت گوش دادن منفعلانه فقط فرایند شناختی جذب اطلاعات مد نظر می‌باشد. یعنی ممکن است پنهانی و بی‌آنکه علامتی دال بر توجه به دیگران از خودمان نشان دهیم، به صحبت‌های دیگران گوش دهیم. اما در محیط‌های آکادمیک، نوع اول یعنی گوش دادن فعال مد نظر است.

۱۶. برای توضیح مفصل درباره چارچوب مفهومی مهارت گوش دادن و نیز درباره تمام پیشنهادات ارائه شده در بالا به دانای طوسی (۱۳۸۹) نگاه کنید.